

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۱، پیاپی ۹۵، پاییز ۱۳۹۰

کانون‌های تجارت ابریشم ایران در دوره تیموریان و ترکمانان (قرن نهم هجری)

ولی دین‌پرست^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۱/۸

چکیده

ابریشم از تولیدات مهمی بوده که در طول تاریخ بشر در تجارت جهانی ارزش زیادی داشته است. از دوره ایلخانان صادرات ابریشم ایران به اروپا رونق گرفت. هر چند با سقوط این حکومت برای مدتی کوتاه در صدور این کالا وقفه‌ای ایجاد شد، با روی کار آمدن تیموریان و ترکمانان بار دیگر تولید و صادرات ابریشم رونق گذشته خود را باز یافت. در این دوره تبریز و سلطانیه به عنوان مهم‌ترین مراکز فروش ابریشم استرآباد، مازندران، گیلان، شیروان و شماخی درآمدند. در آناتولی نیز، بوسا به مرکز تجارت بین‌المللی ابریشم ایران تبدیل شد. در سایه افزایش تقاضای جهانی به ابریشم خام، قیمت آن در بازارهای جهانی مدام در حال افزایش بود. تعداد زیادی از تجار ایرانی این کالای ارزشمند را به خارج از کشور صادر می‌کردند. بر اثر رفت و آمد زیاد کاروان‌ها عواید دولت از عوارض گمرکی ابریشم مدام در حال افزایش بود. گسترش تجارت ابریشم در این دوره نشان می‌دهد که این کالای تجاری تا چه حد در رونق اقتصادی و

۱. استادیار تاریخ دانشگاه تبریز vali_dinparast@yahoo.com

تجارت ابریشم ایران مؤثر بوده است. در این نوشته تلاش می‌کنیم مراکز مهم تجارت ابریشم و رشد تجارت آن قرن نهم هجری و نحوه صدور این محصول را شرح دهیم؛ با این توضیح که در نتیجه فعالیت این مراکز، زمینه‌های گسترش تولید و تجارت ابریشم در دوره صفویه فراهم شد.

واژه‌های کلیدی: ابریشم، تجارت، ایران، عثمانی، تبریز، بورسا.

مقدمه

تجارت ابریشم در ایران سابقه هزاران ساله دارد. ابتدا این کالا از چین وارد ایران می‌شد و سپس در طول جاده ابریشم به آناتولی و سواحل سوریه صادر می‌گردید. با گذشت زمان به تدریج شیوه پرورش کرم ابریشم و تولید آن به ایران نیز راه یافت. از دوره ایلخانان و سپس تیموریان، ایران به مهم‌ترین مرکز تولید این کالای گران‌بها تبدیل گردید؛ به‌خصوص که ابریشم ایران مرغوب‌تر از نوع چینی آن بود. تجارت این محصول درآمد زیادی را عاید تولیدکنندگان، تجار و دولت‌ها می‌نمود. با اطلاعات ارزشمندی که سیاحان اروپایی نظیر کلاویخو، باربارو، کنتارینی در سفرنامه‌های خود به‌جا گذاشته‌اند، همچنین با گزارش‌های مفیدی که از بایگانی ونیزی‌ها، فلورانسی‌ها و اسناد قضایی بورسا در قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی باقی مانده است، به اهمیت تجارت ابریشم خام و فراورده‌های آن در ایران و عثمانی می‌توان پی برد.

تجارت ابریشم بحث مهمی است که متأسفانه در این دوره کمتر در منابع فارسی به آن اشاره شده است. در این موضوع تحقیقات پراکنده صورت گرفته است؛ از جمله حسن تاجبخش در مقاله‌ای با نام *ابریشم ایران* این موضوع را در دوره‌های مختلف بررسی نموده، همچنین به مقاله جهانبخش ثوابق به نام *ابریشم گیلان و مقالاتی که دکتر باستانی پاریزی در مورد تجارت ابریشم دوره صفوی نوشته‌اند* می‌توان اشاره نمود، اما این نوشته‌ها نخست اینکه، به‌طور مفصل به تجارت ابریشم در مراکز تبریز، سلطانیه، هرمز و یزد در دوره تیموریان و ترکمانان و نقش آن در اقتصاد این دوره نپرداخته‌اند، دوم اینکه، از اسناد تجاری خارج از کشور که نشانگر آمار و

ارقام تجارت این محصول باشد، بهره نگرفته‌اند؛ از این رو، در این نوشته تلاش شده با استفاده از اسناد قضایی و تجاری عثمانی و گزارش‌های تجاری ونیزی‌ها مراکز تجارت ابریشم و روند تجارت این کالا در دوره تیموریان و ترکمانان بررسی شود.

مراکز تولید و تجارت ابریشم تا پایان دوره ایلخانان

از دوره تاریخ میانه به تدریج ابریشم مهم‌ترین کالای تولیدی و صادراتی ایران شد. تا پایان دوره ایلخانان در ایران سه مرکز عمده در تولید ابریشم وجود داشت: نواحی گرگان، مازندران و استرآباد؛ دوم در منطقه گیلان، شهرهای لاهیجان، رشت و فومن؛ سومین حوزه تولید ابریشم در سواحل غربی دریای خزر ناحیه شروان، شماخی، گنجه، ییلقان و بردعه در تولید ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی شهرت فراوان داشتند. به غیر از این سه منطقه، نواحی نسا، ابیورد، مرو، نیشابور، یزد، کاشان و فارس از مراکز تولید این محصول ارزشمند بودند.

با نگاهی به نوشته‌های مورخان ایرانی به اهمیت تولید ابریشم در این مناطق می‌توان پی برد. به نوشته ابن حوقل در بردعه توت رایگان بوده و پرورش ابریشم در آن رواج فراوان داشته است، ابریشم خوزستان از آنجا تهیه می‌شده است. وی تولید ابریشم طبرستان را بیش از سایر نقاط دنیا می‌داند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۸۷/۱). مقدسی بردعه در قراباغ را ناحیه ابریشم خیز معرفی می‌کند (۱۳۶۳: ۵۶۴/۱). در بیرون شهر بردعه بازار بزرگی به طول یک فرسخ در روزهای یکشنبه برپا می‌شد که به بازار کرکی (در زبان ارمنی به نام روز خدا) شهرت داشته است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۱۹۱ و ۱۹۹؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۸۰).

جغرافی‌دانان، مورخان و سیاحان قرن هفتم و هشتم هجری به اهمیت سواحل دریای خزر در تولید ابریشم اشاره کرده‌اند. یاقوت حموی می‌نویسد: ابریشم طبرستان و گرگان تا قرن هفتم هجری بهتر از ابریشم گیلان بوده است (۱۳۸۰: ۴۸۷/۱). مارکوپولو در سفرنامه خود گزارش می‌دهد که اخیراً بازرگانان ژن به گیلان آمده‌اند تا ابریشم خام از این منطقه خریداری کرده و صادر نمایند (۱۳۵۰: ۲۵). در نزهه‌القلوب، جرجان، کبود جامه و استرآباد در ناحیه مازندران و تولم، رشت، فومن و لاهیجان در گیلان از مناطق تولید ابریشم معرفی شده‌اند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۲۰۳). زکریا قزوینی در

توصیف محصولات گیلان می‌نویسد: «مردان ایشان ابریشم سازند و زنان ایشان برنج کاری نمایند، کرم ابریشم را نیز تربیت کنند، چارقده، عمامه و سایر پارچه‌های ابریشمین را در آنجا نیکو بافند.» (۱۳۷۳: ۴۶۶). حافظ ابرو نیز به مرغوب بودن پارچه‌های ابریشمی یزد اشاره می‌کند که این تولیدات را به تمام نقاط صادر می‌کنند و بازرگانان بسیاری برای خرید این کالا به این شهر می‌آیند (۱۳۷۸: ۱۱۰). در نهایت، ابن بطوطه در اوایل قرن هشتم هجری به پارچه‌های ابریشم تولیدی بغداد، تبریز و نیشابور به نام کمخا در از میر اشاره دارد (۱۳۷۰: ۳۶۸). تمام این شواهد تاریخی رونق تولید ابریشم را در ایران از گذشته‌های دور تا قرن‌های هفتم و هشتم هجری و ادامه آن در قرن‌های بعدی نشان می‌دهد.

در دوره ایلخانان مراکز قدیمی ابریشم‌بافی احیا و پس از مدتی مراکز جدیدی در شهرهای تبریز، کاشان، یزد و نیشابور تأسیس شد. ایلخانان به قدری بر تجارت و درآمدهای تجاری ایران تأثیر گذاشتند که در این دوره شاهد دگرگونی در راه‌های تجاری و رونق برخی از طرق تجاری جدید هستیم (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). در آن زمان تجار ونیزی و جنوایی از راه‌های تجاری آناتولی، دریای سیاه، طرابوزان و ارمنستان خود را به تبریز می‌رساندند. آنان در این شهر نمایندگی بازرگانی دایر نمودند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۴۳۴). ونیزی‌ها در سال‌های ۷۲۰ و ۷۲۹/۱۳۲۰ م و ۱۳۲۶ م دو قرارداد تجاری با سلطان ابوسعید ایلخان مغول منعقد ساخته بودند (جوادی، ۱۳۵۲: ۲۵). در این دوره تبریز مرکز تجارت دنیا شده بود. در بازارهای آن پارچه‌های ابریشمین و زربافت و انواع سنگ‌های قیمتی و امتعه به فروش می‌رسید (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۹). با توجه به اینکه ایلخانان بر آسیای صغیر و بنادر تجاری آن در سواحل مدیترانه مسلط بودند، کالاهای تجاری ایران، هند و چین به راحتی از تبریز تا سواحل جنوبی و غربی آناتولی حمل می‌گردید. پگولتی، بازرگان فلورانس توصیف دقیقی از این راه‌ها و مقدار مالیاتی که در هر منزل از کاروان‌ها گرفته می‌شد، گزارش داده است. به نوشته او، برای هر عدل‌بار در هر منزل یک آقچه عوارض اخذ می‌گردید (همان، ۱۱۱)؛ جایی که تجار ایتالیایی کالاهای تولیدی شرق به خصوص ابریشم ایران را در آنجا به دست می‌آوردند (احمدی دستگردی، ۱۳۸۷: ۱۳۹). از سوی دیگر، با وجود جنگ‌های میان ایلخانان با مغولان دشت

قپچاق، کاروان‌های تجاری از گذرگاه دربند در قفقاز به آستاراخان و سرای رفت و آمد می‌کردند (تاریخ و صاف، ۱۳۴۶: ۵۱).

پس از سقوط حکومت ایلخانان، امنیت راه‌های تجاری از بین رفت. حکومت‌های محلی بیشتر در جنگ با یکدیگر بودند. در نتیجه، تجار ایتالیایی تجارت خود را در تبریز متوقف کردند. این رکود تجاری به قدری بر درآمد دولت‌های آل چوپان و آل جلایر تأثیر گذاشت که ملک اشرف در سال ۷۵۴هـ/ ۱۳۴۴م سفیری به جنوا فرستاد تا تجار جنوا را به تجارت با تبریز تشویق کند، اما ناامنی به حدی بود که تجار ایتالیایی نمی‌خواستند جان خود را به خطر بیندازند. پس از آن تلاش‌های شیخ اویس، حاکم آل جلایر نیز برای رونق دوباره تجارت تبریز به نتیجه‌ای نرسید (همان، ۱۱۴).

سیاست‌های تجاری تیمور و جانشینانش

رکود صادرات ابریشم ایران به اروپا از طریق آناتولی تا تصرف مناطق غربی ایران از سوی تیمور ادامه داشت. اما تجارت در مسیر شمال دریای خزر که در دست مغولان حاکم بر دشت قپچاق بود تا زمان اشغال این نواحی به وسیله تیمور ادامه داشت. تیمور با لشکرکشی به دشت قپچاق نه تنها مصمم بود توقتمش‌خان را سرکوب نماید، بلکه هدف او از این حملات تغییر مسیر تجارت در شمال دریای خزر بود؛ زیرا در آن زمان کاروان‌های تجاری از آسیای مرکزی تولیدات شرق را از طریق سرای به دست تجار ایتالیایی در تانا و کافا می‌رساندند، به همین دلیل تیمور آستاراخان و سرای را ویران کرد (سمرقند، ۱۳۸۳: ۷۱۹)، سپس به سوی تانا و کافا حرکت نمود. تجار جنوبی با شتاب هدایایی به وی فرستادند، اما با وجود این، تیمور این دو شهر را نیز ویران کرده و تجارتخانه‌های ایتالیایی‌ها را به آتش کشید (koç, 2009: 31).

علت عمده سیاست‌های تخریبی تیمور در این مناطق از بین بردن مسیر تجارت در شمال دریای خزر و دریای سیاه و احیای جاده ابریشم از طریق ماورالنهر و خراسان به سلطانیه و تبریز بود تا با رونق بخشیدن دوباره به تجارت ایران به سوی آناتولی از عواید مالی آن بهره‌مند گردد. با توجه به اینکه تا زمان سلطه تیمور بر مازندران و گیلان در این نواحی حکومت‌های محلی مرعشیان و آل

کیا وجود داشتند، آنان نسبت به رعایا و کشاورزان عدالت را رعایت می‌کردند؛ از این رو تصور می‌شود که اهمیت این دو منطقه در تولید ابریشم همچنان در قرن نهم هجری حفظ شده باشد؛ زیرا با تسلط تیمور بر این مناطق حاکمان مرعشی مازندران مالیات ابریشم را به تیمور می‌فرستادند که مقداری از این مالیات از سوی تیمور به آنان بخشیده شده بود (شامی، ۱۳۶۳: ۲۹۵).

تیمور در ادامه سیاست تجاری خود به منظور سلطه بر راه‌های تجاری ایران به آناتولی به جنگ با ایلدرم بایزید پرداخت؛ چون بایزید در پی توسعه طلبی‌های خود حکومت‌های محلی صاروخان، آیدین، منتشا و آل اسفندیار را در سواحل دریای مدیترانه و دریای سیاه از بین برده بود. امیران این حکومت‌ها نزد تیمور گریخته و او را به جنگ با سلطان عثمانی تشویق کرده بودند. از سوی دیگر، ایلدرم بایزید با تصرف مناطق شمالی و مرکزی آناتولی برای دست‌یابی به بنادر تجاری در غرب و جنوب، حکومت‌های محلی آن مناطق را ساقط نموده و بر شهرهای پالاسیا، آلتوگو (افسوس) و از میر مسلط شده بود (اینالچق: ۱۳۸۸: ۲۰۸). او برای سلطه بر مناطق شرق آناتولی و کسب درآمدهای ناشی از راه‌های تجاری با تیمور - که او نیز همین اهداف را دنبال می‌کرد - درگیر شد. نتیجه آن، شکست بایزید در جنگ آنکارا بود. رونق بخشیدن به اقتصاد و تجارت بورسا یکی از اهداف مهم بایزید از این توسعه طلبی‌ها بوده است.

سلاطین عثمانی از زمان مراد اول با انتخاب بورسا به پایتختی، این شهر را به مرکز دائمی مبادله ابریشم ایران با تولیدات اروپاییان در آورده بودند. ایلدرم بایزید برای رشد تجارت این شهر و هدایت کاروان‌های تجاری از ایران به بورسا و کنترل کامل بر جاده‌های تجاری، شهرهای آماسیه، توقات و ارزنجان در شمال و ملاطیه در جنوب آناتولی را تصرف نمود، اما برای رسیدن به اهداف خود در رقابت با تیمور خورد (koç, 2009: 3). تیمور نیز در تعقیب نیت خود به منظور سلطه بر تمام راه‌های تجاری که به سواحل غربی آناتولی منتهی می‌شد، فتوحات خود را تا از میر ادامه داد. در این شهر قلعه‌هایی را که ونیزیانی به منظور حفظ منافع تجاری احداث کرده بودند، ویران نمود. تیمور برای نشان دادن علاقه خود به توسعه تجارت با دول اروپایی پس از پیروزی بر ایلدرم بایزید نامه‌ای به شارل ششم، پادشاه فرانسه فرستاد. وی در این نامه خواهان مبادلات بازرگانی و

رفت و آمد تجار بین دو سرزمین شد و به او یادآوری کرد که دنیا با وجود تجار پایدار است (قزوینی، ۱۳۳۲: ۵۱-۵۲).

تیمور در بازگشت از آناتولی در منطقه قراباغ به بازسازی شهر بیلقان پرداخت. این شهر در پی حمله مغولان ویران شده بود. به دستور او از رود ارس نهری به نام یرلاس به این شهر احداث گردید. تیمور در سمرقند نیز به فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌ای دست زد. وی صنایع دستی از جمله ابریشم‌بافی را، به کمک هنرمندانی که از دمشق با خود آورده بود، گسترش داد (کلایخو، ۱۳۷۴: ۲۹۰). تیمور در مکاتبات خود با حاکمان کشورهای همسایه همواره بر توسعه مناسبات بازرگانی تأکید می‌نمود. او در بازگشت از فتوحات خود در آناتولی در سال ۸۰۶هـ/ ۱۴۰۲م عمرمیرزا را به حکومت ممالک عراق عجم، آذربایجان، اران، مغان، شیروان، گرجستان، ارمنستان، روم، شام و مصر منصوب و به وی رعایت حال بازرگانان را سفارش کرده بود. در سایه سیاست‌های امنیتی و اقتصادی تیمور از اوایل قرن نهم هجری بازرگانی ایران رونق پیدا کرد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۰۰۲/۲). تیمور تمام توان خود را برای رونق امپراتوری‌اش به کار گرفت. پایتختش، سمرقند، در زمان او به مرکز بزرگ بازرگانی تبدیل شد (بوات، ۱۳۸۴: ۶۴). کاروان‌ها در طول سال از چین، آسیای مرکزی، روسیه، هند، شام و روم وارد این شهر می‌شدند. با توسعه اقتصادی و عمرانی سمرقند در زمان تیمور، این شهر چنان شکوفا گردید که به قلب جاده ابریشم تبدیل شد (فرانک، ۱۳۷۶: ۳۱۹).

پس از تیمور شاهرخ نیز به حمایت از بازرگانان پرداخت. او در نامه‌های خود به امپراتور چین و سلاطین مصر علاقه خود را به توسعه بازرگانی با این سرزمین‌ها نشان می‌دهد. در زمان وی بازارهای بزرگی، مانند سمرقند، در هرات ساخته شد؛ این شهر نیز رونق فراوان یافته و به مهم‌ترین مرکز تجاری آسیای مرکزی تبدیل گردید (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۲/۲؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۸۲). در مرو نیز اصلاحات عمرانی انجام گرفت. این شهر که بر اثر هجوم مغولان ویران شده بود، به دستور شاهرخ نهر مرغاب در نزدیکی مرو مرمت و آب آن به سوی شهر جاری شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۱۶/۲). با توجه به این که مرو از قدیم‌الایام از مراکز تولید ابریشم بوده است، اقدامات عمرانی شاهرخ نقش مؤثری در رونق دوباره تولید ابریشم در آن شهر داشت. او چون حکومت مناطق همدان و لرستان

را به میرزا بایقرا واگذار نمود، به وی رعایت حال تجار را سفارش نمود: «به حال تجار که طایران ممالک آفاق و ناشران مکارم اخلاق‌اند به واجبی پردازد.» (همان، ۲۰۰).

مراکز مهم تولید و تجارت ابریشم در دوره تیموریان

سیاحان اروپایی بیشترین اطلاعات را از مراکز تولید و تجارت ابریشم ایران در اوایل قرن نهم هجری/ پانزدهم ارائه می‌دهند. شیلیتبرگر، که در جنگ آنکارا به اسارت تیمور درآمده و به ایران برده شده است، در مورد تولید ابریشم می‌نویسد: از سرزمین strana (استرآباد) عبور کردیم؛ جایی که در آنجا ابریشم فراوان تولید می‌شود. او از سرزمینی که مردمش مسیحی بودند و ابریشم عالی پرورش می‌دادند، یاد می‌کند (Schiltberger, 1979: 34)؛ سرزمینی که شاید همان نواحی ارمنستان بوده است؛ زیرا در ادامه به ابریشم شماخی و شیروان اشاره می‌کند که تولیدات ابریشمی آن به دمشق، کافا و بورسای صادر می‌شده است. او می‌افزاید، بهترین نوع ابریشم در شکی تولید می‌شود (همان‌جا). هر چند گزارش‌های شیلیتبرگر آشفتگی و گاهی نادرست به نظر می‌رسد، اما او در کل نوشته‌هایش از تولید و صدور ابریشم در آن دوران حکایت می‌کند.

گزارش‌های کلاویخو در مورد تولید و تجارت ابریشم در ایران، بر خلاف شیلیتبرگر، مفصل‌تر و دقیق‌تر است. او در مورد رونق تجارت تبریز، سلطانیه، سمرقند و هرمز می‌نویسد: در بازارهای تبریز پنبه، تافته، ابریشم خام، جواهرات و همه‌گونه ظرف می‌توان یافت. گروه زیادی از بازرگانان و مقادیر فراوان کالا در این شهر وجود دارد (۱۳۷۴: ۱۶۰). کلاویخو سلطانیه را شهری پرجمعیت و مهم از نظر بازرگانی معرفی می‌کند که در ماه‌های تابستان کاروان‌های بزرگی با کالاهای تجاری به این شهر وارد می‌شدند. دولت با اخذ مالیات تجاری و عوارض گمرکی مبالغ هنگفتی وارد خزانه خود می‌کرد. وی می‌نویسد، ابریشم‌های مبادله شده در سلطانیه از گیلان وارد می‌شود و از آنجا به دمشق، ترکیه و کافا صادر می‌گردد (همان، ۱۶۶). او همچنین از انواع ابریشم شماخی و پارچه‌های ابریشمی فراوانی که در آنجا تولید و به سلطانیه صادر می‌شده، یاد می‌کند. بر اساس گزارش‌های او، بازرگانان ایرانی، ونیزی و جنوایی تولیدات ابریشمی ایران را از سلطانیه خریداری و به سرزمین‌های دیگر می‌فرستادند (همان، ۱۶۷). پس از مرگ تیمور، هر چند سلطانیه

اهمیت تجاری خود را از دست داد، اما تبریز و اردبیل در شمال غرب ایران اهمیت بازرگانی خود را حفظ کردند. جنوایی‌ها ابریشم ایران را که از تبریز به بورس ارسال می‌شد، در این شهر به‌دست می‌آوردند.

یکی از سیاحان اروپایی در اوایل قرن دهم هجری/شانزدهم میلادی از فراوانی کالا در هرات به‌ویژه انبارهای بزرگ ابریشم آنکه روزانه می‌توان ۴ تا ۳ هزار بار شتر ابریشم از آنجا خریداری کرد، یاد می‌کند (وارتما، ۱۳۷۹: ۲). باربارو نیز از رونق بازرگانی و صنایع هرات و سمرقند در قلمرو تیموریان و صادرات کالایی نظیر جواهرات و پارچه‌های ابریشمی و غیر ابریشمی از سمرقند به چین گزارش‌هایی ارائه کرده است (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۸۴).

افزایش تولید و صادرات ابریشم ایران در دوره تورکمانان

هرچند در پی جنگ‌های قرايوسف و فرزندانش با تیموریان، تجارت ایران با آناتولی در نیمه اول قرن نهم هجری لطمه دید، با استقرار جهانشاه در رأس حکومت قراقوینلوها تا حدی امنیت در غرب ایران برقرار شد. کاروان‌های تجاری بار دیگر بین تبریز و بورس رفت‌وآمد نمودند. اگرچه در منابع اطلاعات کمتری در خصوص اوضاع اقتصادی و تجاری این دوره وجود دارد، با توجه به نامه‌ای که سلطان محمد فاتح به جهانشاه در مورد بازگرداندن اموال احمدبن موسی، تاجر بورسای، به وراثش، که در تبریز فوت شده بود، به مناسبات بازرگانی بین قراقوینلوها با عثمانی می‌توان پی برد (نوائی، ۱۳۵۵: ۵۰۱). در این دوره، همان‌طور که تجار ایرانی کالاهای تولیدی ایران را به آناتولی صادر می‌کردند، بازرگانان روم نیز برای تجارت تا یزد و سواحل جنوب ایران پیش می‌رفتند. طبق نوشته تاریخ جدید یزد، بازرگانان روم و شیروان در سال ۸۴۴ هجری در کاروان‌سرای سرریگ فرد می‌آمدند و معاملات شعربافان (ابریشم فروشان) در آنجا صورت می‌گرفت (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). یزد از مراکز مهم تولید ابریشم ایران در طول قرن‌ها بوده است.

بیشترین گزارش‌ها از اوضاع اقتصادی ایران در قرن نهم و دهم هجری؛ به ویژه در تولید ابریشم و صادرات آن از سفرنامه ونیزیان و اسناد باقی‌مانده از بورس و ونیز به‌دست می‌آید. باربارو سفیر ایتالیایی در دیدار با اوزون‌حسن می‌نویسد: «شاه پس از آن فرمان داد جبه‌هایی آوردند از

پارچه‌های زربفت و ابریشمی و پشمی گلدار که آسترشان از ابریشم و پوست‌های بسیار زیبای قاقم و سمور بود و گفت که آنها را در شهر یزد ساخته‌اند.» (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۷۰). او در مورد تولیدات و تجارت شهرهای ایران می‌افزاید: در یزد، کاشان و اصفهان پارچه‌های ابریشمی و نخی و پشمی می‌بافند. مردم یزد در نساجی و بافتن پارچه‌های گوناگون از ابریشم مهارت زیادی دارند. به حکایت او، تولیدات ابریشمی این شهر بهتر از پارچه‌های ابریشمی سوریه بوده است. این پارچه‌ها به هند، جغتای، چین، بوسا و ترکستان صادر می‌شد (همان، ۷۷-۸۱). باربارو شهر هرمز را خراج‌گذار اوزون‌حسن می‌داند که صنعت مهم مردم آن ابریشم‌بافی بوده است. او از تولید فراوان ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی شماخی و استرآباد نیز یاد می‌کند (همان، ۸۹-۹۲). کنتارینی، هموطن او، هرمز را مرکز تجمع بازرگانان از تمام سرزمین‌ها می‌داند که به طور معمول هر سال ۴۰۰ بازرگان بیگانه در این شهر اقامت داشته و به خرید و فروش ابریشم و مروارید و ادویه مشغول بودند (وارتما، ۱۳۷۹: ۱). وی پارچه‌های ابریشمین به نام تلمانا و اطلس شماخی را تحسین نموده و از صادرات کالاهایی نظیر برنج، ابریشم و قماش از شماخی به آستاراخان گزارش می‌دهد (همان، ۱۱۶). این گزارش‌ها ترسیم‌کننده اوضاع اقتصادی ایران در نیمه دوم قرن نهم هجری و مناسبات بازرگانی گسترده ایران با کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی است.

و نیز یان در زمان اوزون‌حسن ضمن آنکه تلاش می‌کردند از لحاظ سیاسی با آق‌قویونلوها علیه عثمانی متحد شوند به دنبال کسب منافع تجاری خود نیز بودند. آنان در زمان اوزون‌حسن در بین تجار خارجی تقریباً انحصار تجارت ابریشم با ایران را در اختیار داشتند و در تبریز و لاهیجان کنسولگری تأسیس کرده بودند (جوادی، ۱۳۵۲: ۱۵۷). بازرگان گمنام ونیزی که در اوایل دوره صفویه از تبریز دیدار کرده، از اوضاع تجاری و مالی این شهر و وفور ابریشم خام، مصنوع و کالاهای دیگر از جمله ریوند، مشک، لاجورد و مروارید در آن و صادرات این کالاها به حلب، بوسا و استانبول گزارش دقیق‌تری می‌دهد. او به اخذ تعرفه گمرکی به میزان ۱۰ درصد از مسیحیان و ۵ درصد از مسلمانان اشاره می‌کند. طبق برآورد وی، درآمد دولت از مالیات‌های دریافتی در تبریز شصت هزار دوکا (سکه طلا) بوده است (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۸۷).

علت رونق اقتصادی و بازرگانی شهرهای ایران مانند تبریز در دوره آق‌قویونلوها ناشی از عوامل مختلف بوده است از جمله: استقرار امنیت و کوتاه شدن دست راهزنان و شورشیان در راه‌ها؛ عدالت و رعیت‌پروری که اوزون‌حسن و سلطان یعقوب آق‌قویونلو در قلمرو خود ایجاد کرده بودند؛ نظم و قانونی که در دوره آنان برقرار شده بود؛ سرانجام، افزایش تقاضای جهانی به ابریشم خام ایران در صنایع تولیدی ایتالیا زمینه را برای گسترش صادرات این محصول تجاری به اروپا فراهم ساخته بود.

در نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری بورسا به کانون عمده تجارت ابریشم ایران تبدیل شده بود. به گزارش یک شاهد عینی از بورسا در اوایل قرن دهم هجری، تجار اروپایی بی‌صبرانه منتظر رسیدن کاروان‌های تجاری حامل ابریشم خام از ایران بودند و در خرید این کالا با یکدیگر به شدت رقابت می‌کردند (Inalcik, 1986 : 227). در طول قرن نهم هجری ابریشم خام تولید شده در ولایات مختلف ایران ابتدا به تبریز ارسال می‌شد و سپس در آنجا بسته‌بندی شده و از راه ارزروم، ارزنجان، سیواس و توقات به بورسا یا از طریق ماردین و دیار بکر به آناتولی صادر می‌گردید.

ابریشم‌های صادراتی ایران از بازارهای بورسا به اروپا در انواع و رنگ‌های متفاوتی نظیر ابریشم تیلانی (دیلمی)، لاهیجانی، گیلانی، استرآبادی و مازندرانی بوده است (Inalcik, 1956: 237)؛ تاجبخش، ۱۳۷۵: ۳۳۷). در گنج شایگان ابریشم صادراتی ایران به اسامی متفاوت مانند: ابریشم شعربافی، علاقه بندی، تاجری، تای، دوپیل آمده است (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۲۹). اسامی مختلف از ابریشم در هر کدام از منابع بیانگر تنوع در رنگ و کیفیت ابریشم ایرانی است. این تنوع در تولید سبب ایجاد قیمت‌های متفاوت در ابریشم عرضه شده در بازارهای بین‌المللی شده بود.

در قرن نهم هجری تجار بسیاری بین تبریز و بورسا رفت‌وآمد داشتند. این تجار از ایرانیان مسلمانان؛ یا از ارامنه مناطق شمال رود ارس بودند. برخی از تجار ترک نیز از آناتولی برای خرید کالا به ایران می‌آمدند. براساس اسناد باقی‌مانده از بورسا طی سال‌های ۸۹۰-۸۸۹ ه. ق با عنوان اسناد شرعی بوسا، بسیاری از تجار ایران که برای تجارت به بوسا می‌رفتند از تبریز، اردبیل، شماخی، شروان، گنجه، سعد چغور، یزد، شیراز، اصفهان، قزوین، ساری، کاشان، خراسان و گیلان

بودند. از میان این شهرها بیشترین تجار از تبریز و شیروان در این زمینه فعالیت داشتند (inalcik, 1981). آنان ابریشم ایران را با حیوانات باربر که گاهی تعداد آن به ۳۰۰ تا ۴۰۰ رأس می‌رسید، به بورس منتقل می‌کردند (Dalsar, 1960: 129).

تجار ایرانی طی قراردادی ابریشم خود را در بورس به خریداران می‌فروختند، معمولاً در این قراردادها چهار نفر شاهد وجود داشت. حضور یک نماینده حکومتی به عنوان یکی از شهود در جریان معامله اجباری بوده است. در این قراردادها نوع کالای مبادله شده، وزن و قیمت کل آن و زمانی که خریدار باید مبلغ کل جنس مورد معامله را به فروشنده یا وکیل قانونی او پرداخت کند، مشخص می‌شده است. از تجار بومی یا بیگانه در این اسناد به خواجه یاد شده است. در جریان معامله‌ای در ۱۴ سپتامبر ۱۴۷۹م/ ۸۸۳ ه ق برای فروش ۵۰۰ لودر ابریشم استرآباد صورت گرفت، فروشنده خواجه جلال الدین بن حاجی آهی قاراجا از اهالی تبریز و خریدار خواجه حسن بن خواجه عبدالله از حلب بود. کل ابریشم به مبلغ ۲۷۵۰۰ آچه فروخته شده و طبق قرارداد این مبلغ باید در مدت ۱۴ ماه پرداخت می‌شد. سه شاهد در جریان این معامله حضور داشتند؛ یکی از آنان کاتب دربار، هیبت‌الله و دیگری حاجی امین بن عبدالحسین و سومی، حاجی جان بن خواجه صفر شاه تبریزی بوده است (Çiçek, 2000: 68).

گاهی تجار فردی را به عنوان وکیل برای فروش ابریشم خود از ایران به بورس می‌فرستادند یا او را موظف می‌کردند تا مطالبات ایشان را از بدهکاران دریافت نمایند. در این صورت وکیل اختیار تام داشت که در صورت خودداری بدهکار از پرداخت قرض خود به محاکم قضایی مراجعه و طرح دعوا نماید. سلاطین عثمانی نیز از دوره محمد فاتح قوانینی را برای حفظ امنیت تجاری تدوین کرده بودند. به خصوص که ممکن بود تجار هنگام مسافرت فوت نمایند؛ چنانکه محمد بن شاه علی عجمی از ایرانیانی بود که از توقات ۷۰۰ لودر ابریشم قراقوچ ابوبکر را به وکالت برای فروش به بورس برده بود، در آنجا در گذشت و ابریشم‌های فوق از طرف حکومت ضبط گردید، بر اثر آن صاحبان کالا به دیوان مظالم شکایت نموده و مولانا رکن‌الدین قاضی عسکر به این شکوائیه رسیدگی کرد و دستور داد تا ابریشم‌ها را به وراثت متوفی تحویل نمایند (سند ش ۴۲؛ Dalsar, 1960: 169).

در جریان قرارداد دیگری که در ۱۴ صفر سال ۸۸۹ هجری/۱۴۸۳ م تنظیم شد، ولی جان بن حاجی صالح مبلغ سیزده هزار درهم به شیخ جان بن قاسم تبریزی بدهکار بود و از این مبلغ ۳۰۰ درهم از بابت بهای ابریشم فروخته شده باقی ماند. در این قراردادنامه قید شده که مبلغ فوق باید در مدت شش ماه پرداخت گردد. فروشنده خواهه دولت یار بن عبدالله را به وکالت تعیین نمود تا هنگام سررسید مقرر طلب موکل خود را از خریدار دریافت کند. چهار نفر به نام‌های: مولانا کمال قسام، حاج علی بن محمد، مولانا مصطفی بن حسین، مولانا محمد بن کوسه تر به دار شاهد این معامله بودند (inalcık, 1981: s9).

هر چند در این مبایعه‌نامه شرط مراجعه به محاکم قضایی در صورت خودداری خریدار از پرداخت دین خود ذکر نشده است، اما صحت معاملات را شهود تأیید می‌کردند. در صورت خودداری خریدار از پرداخت قرض خود از سوی محکمه مجازات می‌شد.

گاهی در جریان داد و ستد تجار ساکن ایران به تجار عثمانی بدهکار می‌شدند. در چنین شرایطی نیز ممکن بود فروشنده فردی را به عنوان وکیل خود برمی‌گزید تا طلب او را از خریدار ایرانی دریافت نماید. در این صورت، محاکم قضایی ایران دوره آق‌قویونلو متضمن پرداخت دیون چنین قراردادهایی می‌شدند. در قراردادی که در دوم صفر ۸۹۰ هجری بسته شد، فروشنده حاج حسن بن مزید بن عبدالله توقاتی و خریدار محمد بن احمد تاجر ایرانی ساکن شهر ساری بود. مبلغ بدهی خریدار به فروشنده ۳۱۱ اشرفی سکه طلا و ۷/۵ درهم قید شده است. فروشنده خواهه محمد بن اضل تاجر توقاتی را به وکالت خود برگزید تا طلب وی را از خریدار بستاند (همان، ۴۱). پول پرداختی در این قراردادها درهم و دینار یا سکه‌های آقچه^۱ عثمانی، اشرفی ممالیک مصر، فلوری اروپا و شاهروقی سلطان یعقوب آق‌قویونلو بوده است.

در این دوران، ابریشم چنان در اقتصاد جوامع آسیایی و اروپایی ارزشمند بود که در پیمان ازدواج بخشی از مهریه همسران قرار می‌گرفته است؛ چنانکه در ۲۷ رجب سال ۸۸۹ ه ق در خطبه

۱. آقچه کلمه ترکی مغولی است به معنی جسم سفید کوچک، مترادف با اسپر یونانی، نوعی مسکوک نیز بوده و این مسکوک به همین نام از ترکان سلجوقی باز مانده است. آقچه از مسکوکاتی است که بیشتر در مملکت عثمانی رواج داشت، اما در زمان سلاجقه و حکومت مغول و ترکان در ایران به همین نام یا آقچه روم و نوع دیگر آن به نام آقچه کپکی معمول و متداول بوده است. برای آگاهی بیشتر رک: (دیانت، ۱۳۶۷).

عقد حسین بن محمد خراسانی با دختر پاشا حسین مقدار ۷۰ من ابریشم سرخ رنگ به همراه ۵۰۰ درهم مهریه تعیین شده است (inalcik, 1981: 66). طبق سند شرعی باقی مانده از بورسا گویا این ازدواج در قلمرو دولت عثمانی در بورسا صورت گرفت؛ چون بسیاری از تجار ایرانی در شهرهای عثمانی ساکن شده به تجارت می پرداختند. به مرور زمان تعدادی از آنها در بورسا چنان شهرت به دست آوردند که اسامی برخی از محلات این شهر به نام ایرانیان درآمده بود. از جمله محلات عجم رئیس، امیرسلطان بخاری، اوزبک لر، حکیم شیروانی، عبدالمراد بخاری را می توان نام برد (سماوی، ۱۳۸۲: ۴۷).

عواید دولت از تجارت ابریشم

در نیمه دوم قرن نهم هجری رونق اقتصادی و تجاری ایران بیش از گذشته افزایش یافت. با افزایش تولیدات کشاورزی عواید دولتی نیز بیشتر گردید. چنانکه مالیات جنسی که در زمان شاهرخ در سال ۱۴۱۹/۸۲۲م از مازندران به خزانه حکومت در هرات فرستاده می شد به وزن استرآباد ۴۰ خروار ابریشم سرخ و سفید بود، اما این مالیات در دوره حکومت اوزون حسن به سال ۸۷۳/۱۴۷۱م به ۱۲۰ خروار ابریشم افزایش یافت (مرعشی، ۱۳۴۶: ۴۷۲ و ۵۳۸). با توجه به این که یک من استرآباد در این ایام ۱۴۴۰ مثقال، اندکی بیش از ۵/۵ کیلوگرم بوده است (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۶۷؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲۰۳)؛ بنابراین عواید حکومتی از هر خروار برابر با ۳۰۰ کیلوگرم ابریشم بود؛ به عبارت دیگر، درآمد حکومت از مالیات جنسی ناحیه مازندران در زمان اوزون حسن آق قوینلو نسبت به دوره شاهرخ ۲۴۰۰۰ کیلوگرم افزایش پیدا کرده است. در منابع فارسی گزارش‌های اندکی در مورد عواید حکومتی از مالیات و عوارض گمرکی از تجارت خارجی وجود دارد، با این همه، گویای درآمدهای کثیر دولت از این بخش است. عبدالرزاق سمرقندی در سفر خود به هند در سال ۸۴۵ هجری از رونق بازرگانی هرمز و حضور تجار از تمام سرزمین‌ها در این شهر توصیف دقیق ارائه نموده و از عواید حکومت به مقدار ۱۰ درصد از کالاهای مبادله شده خبر داده است (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۱۴). این میزان از مالیات نشانگر افزایش درآمدهای حکومتی از رونق تجارت است.

از زمان حاکمیت اوزون‌حسن بر آذربایجان و دیار بکر قوانینی برای تجار مشخص شده بود که به قانون‌نامه اوزون‌حسن معروف بوده است. در یکی از این قوانین با نام *قانون دیار بکر* در مورد دریافت تمغا (مالیات تجار) از کالاهای وارد شده به این منطقه، مقرر شده بود؛ از اقمشه مردانه صدی پنج آقچه عثمانی تمغا دریافت شود؛ امتعه‌ای که از پارچه یزیدی بوده برای هر من ۹۶ آقچه سیاه، اگر کالایی از این ناحیه عبور می‌کرد، برای من ۴۸ آقچه سیاه باج گرفته می‌شد (سند ش ۱۸۲ Dalsar, 1960: 264). در آذربایجان هم قوانینی برای تجارت مشخص شده بود. بر این اساس، هر بازرگان یا فروشنده‌ای که در بازار تبریز دکانی داشت به نسبت دادوستد روزانه دو تا شش آسپر یا حتی یک دوکا^۳ مالیات پرداخت می‌کرد (همان‌جا). دیار بکر در سال ۱۴۷۰م مرکز مبالات و ترانزیت ابریشم بوده است؛ ابریشمی که از ایران به این منطقه وارد می‌شد، از آنجا به حلب ارسال می‌گردید. حاکمان آق‌قویونلو در این منطقه از هر ۲۷ من ابریشم ۲۷ آقچه باج می‌گرفتند (همان، ۲۴۲).

دولت عثمانی نیز همانند آق‌قویونلوها، از تجارت ابریشم سود زیادی به‌دست می‌آورد. در امپراتور عثمانی با وجود این که استانبول به عنوان پایتخت انتخاب گردید، بورسا به عنوان مرکز تجاری بین‌المللی درآمد. تجار ایرانی ابریشم را به این شهر انتقال می‌دادند. آنان ابریشم خود را در کاروان‌سراهایی که مخصوص تجارت ابریشم بود، فرود می‌آوردند. در آنجا عوارض دولتی از ابریشم وارد شده به بورسا اخذ می‌شد. مشهورترین این کاروانسراها (خان‌ها) در بورساخان عجم، خان سلطان و خان ابریشم بوده است (Islam Ansiklopadia, 1992: 448/6). اگر کسی خلاف حکم دولتی کالای وارداتی به بورسا را در منزل خود و یا در جای دیگر قرار می‌داد، بر اساس قوانین تجاری عثمانی که در زمان سلطان محمد فاتح و بایزید دوم تدوین شده بود، مجازات می‌گردید. در یکی از اسناد باقی‌مانده از بورسا آمده شده است که محمودبن اسماعیل در محکمه شرع اقرار نموده ابریشمی که به بورسا آورده به کاروان‌سرا تحویل نداده، آن را در خانه خود در محله جامع کبیر قرار داده است (سند ش ۲۵۲ Dalsar, 1960).

۱. سکه طلای ونیز که هر دو کای برابر با ۱۰۰ دینار بوده است.

در قانون‌نامه سلطانی در مورد اخذ عوارض گمرکی آمده است: «از اموال وارده و خارج شده به بورسا سه در صد عوارض اخذ می‌گردید (Anhegger, 1956: 41). از ابریشم وارد شده به عثمانی تا زمان سلطان محمد فاتح فقط یک‌بار در بورسا عوارض گرفته می‌شد، اما محمد فاتح دستور داد که از کاروان‌ها در توقات نیز باج راهداری دریافت گردد. اوزون‌حسن با این عمل مخالف بود؛ به همین دلیل او در سال ۱۴۷۲م توقات را تخریب نمود (Inalcik, 1995: 9). در دوره بایزید دوم که در شرق آناتولی صلح برقرار گردید، واردات ابریشم به بورسا به بالاترین سطح خود رسید و عوارض دریافتی از تجار نیز افزایش پیدا کرد.

جمع عواید حاصل از عوارض ابریشم خام در بورسا طی سال‌های ۱۵۱۳-۱۴۸۷م

سال میلادی	عواید کل به میلیون آقچه
۱۴۸۷	۶
۱۵۰۸	۵/۴۵
۱۵۱۲	۷/۳۵
۱۵۱۳	۷/۳۰

هر چند از میزان عواید حکومت آق‌قویونلوها و تیموریان از مالیات و عوارض ابریشم ایران طی این سال‌ها اطلاعی نداریم، همان‌طور که گفته شده، مالیات ابریشم اخذ شده در مازندران در دوره اوزون‌حسن در مقایسه با دوره شاهرخ ۳۰۰ رشد داشته است، این میزان فقط از مالیات یک منطقه بوده است. اگر عوارض راهداری و گمرکی اخذ شده از ابریشم‌های صادراتی را نیز بر آن بیفزاییم، درمی‌یابیم که درآمدهای دولت با توجه به افزایش تولید و صادرات ابریشم افزایش چشمگیری داشته است. رشد قیمت ابریشم در بازارهای بین‌المللی نیز بیانگر افزایش عواید حکومتی است؛ چرا که با افزایش میزان مبادلات و قیمت ابریشم بر میزان عوارض حکومتی نیز افزوده می‌شد. وقتی قیمت ابریشم استرآباد در بازار بورسا از ۵۰ آقچه در هر لودر در سال ۱۴۶۷م به ۸۲ آقچه در سال ۱۴۹۴م افزایش پیدا کرد، بر این اساس بر عواید حکومتی نیز افزوده می‌شده است. درآمد دولت عثمانی از عواید ابریشم ایران پس از سال ۱۵۱۳م به میزان چشمگیری سیر

نزولی داشته است؛ به طوری که میزان آن در سال ۱۵۲۱م به ۲/۱۰ میلیون آقچه رسید. علت آن ناشی از قطع ارتباط سیاسی و تجاری بین ایران و عثمانی بوده است.

قیمت و وزن ابریشم صادراتی

ابریشم صادراتی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان به شهرهای آناتولی اغلب از سوی چند تاجر بزرگ خریداری و به آناتولی ارسال می‌گردید. ابریشم هر کدام از این تجار را ۳۰۰ تا ۴۰۰ حیوان باربر حمل می‌کردند (Dalsar, 1960: 129). هر بار را یوک (در زبان ترکی به معنی بار حیوان) می‌گفتند. هر یوک شامل ۴ بسته بود و هر بسته ۴ من تبریز وزن داشت. با توجه به این که هر من تبریز حدود ۶ کیلوگرم بوده است، بنابراین هر بسته ۲۴ کیلوگرم و هر حیوان حدود ۹۶ کیلوگرم بار حمل می‌کرد (همان‌جا)، اما با توجه به این که از حیوانات متعدد از جمله اسب، قاطر و شتر برای حمل بار استفاده می‌شد؛ در نتیجه مقیاس و وزن ثابتی در میزان بار وجود نداشت. گاهی ابریشم در هشت بسته کوچک در مجموع به وزن ۱۱۵ کیلوگرم بسته‌بندی می‌شده است. اما هیچ استانداردی در مورد وزن بار ابریشم وجود نداشت. شاید بهترین راه تعیین وزن بارها میزان باری بوده است که یک حیوان می‌توانست آن را حمل کند (Inalcik, 1987: 433). بهترین نوع ابریشم ایرانی ابریشم استرآباد و گیلان بود که در بورس خریداران زیادی داشت. قیمت آن مدام در حال افزایش بود؛ به طوری که در سال ۱۴۶۷م هر لودر آن به ۶۰ آقچه و در سال ۱۴۷۸م به ۶۷ آقچه فروخته شده است (inalcik, 1973: 108).

به نوشته مارینگی (J. maringhi) در سال ۱۵۰۱م یک بار ابریشم به وزن ۵۱/۵ کیلوگرم به قیمت ۷۰ تا ۸۰ دوکا در فلورانس فروخته می‌شد. در سال ۱۵۰۶م یک لودر ابریشم در بورس به قیمت ۸۰ آقچه و در کیلیا (kilia)، کنار دانوب، به ۱۰۰ آقچه معامله می‌شده است (همان، ۱۱۲). نامه‌هایی از تجار فلورانسی و نمایندگان آنها که در طول سال‌های ۱۵۰۱-۱۵۰۲ م در مراکز تجاری عثمانی فعالیت می‌کردند، باقی مانده است. یکی از آنان مارینگی است. او قیمت انواع ابریشم خریداری شده از سوی تجار فلورانسی در بورس در سال ۱۵۰۱م را به شرح زیر اعلام کرده است (Inalcik, 1986b: 237).

ماه	نوع ابریشم	قیمت به آقچه در هر لودر
May	لاهیجان	۵۹-۶۰
May	استر آبادی	۵۹
June	استر آبادی	۶۴
1 July	استر آبادی	۶۵
14 July	لاهیجان، استر آبادی	۶۵-۶۹
August	ساری	۶۹-۷۰

(هر لودر بورس برابر با ۳۲۰/۷ گرم بوده است)

باتوجه به جدول بالا در نیمه نخست سال ۱۵۰۱م فلورانسی‌ها ابریشم را به ۶۰ آقچه و در اوگوست همان سال آن را به ۶۹ آقچه در هر لودر خریداری کردند؛ بنابر این قیمت ابریشم ایران بین ۶۰ تا ۶۹ آقچه در طول یک سال در نوسان بوده است. در حالی که قیمت هر لودر ابریشم خام استرآباد در سال ۱۴۸۲-۱۴۸۳م به ۵۶ آقچه، ابریشم تیلانی (دیلم) به ۴۹ آقچه و ابریشم گیلانی به ۴۴ آقچه فروخته شده است. به‌طور معمول در یک سال شش کاروان ابریشم از ایران به بورس می‌رسید. هر کدام از این کاروان‌ها حدود ۱۲۰ تن ابریشم خام به بورس می‌آوردند (همان، ۲۲۷-۲۵۱). تجار ایتالیایی از طریق صادرات ابریشم ایران به اروپا در هر فاردلو (معادل یکصد پنجاه کیلوگرم) بین ۷۰ تا ۸۰ دوکا سود به‌دست می‌آوردند (اینالچق، ۱۳۸۸: ۲۰۹). غیر از درآمد سرشاری که از تجارت ابریشم عاید تجار می‌شد، در بورس یک‌هزار گارگاه ابریشم‌بافی وجود داشت که بخش عمده‌ای از پیشه‌وران مشغول این صنعت بودند. قسمت زیادی از ابریشم خام به مصرف این کارگاه‌ها می‌رسید. در نتیجه هم افزایش تقاضای صنایع ابریشم‌بافی اروپا و هم مصرف داخلی عثمانی موجب افزایش قیمت ابریشم در بورس شده بود.

سیر صعودی قیمت ابریشم ایران در بازار بورس را از سال ۱۴۶۷م تا سال ۱۵۱۹م می‌توان از جدول زیر مشاهده کرد (همان، ۲۵۱).

سال میلادی	قیمت به آقچه هر لودر ابریشم
۱۴۶۷	۵۰
۱۴۷۸	۶۸-۶۷
۱۴۸۸	۷۰
۱۴۹۴	۸۲
۱۵۰۱	۷۰-۶۰
۱۵۱۳	۷۷
۱۵۱۹	۹۳

اوج قیمت ابریشم ایران در بازار بورسا در اوایل دوره صفویه بود؛ زمانی که سلاطین عثمانی به علت اختلافات سیاسی و مذهبی با شاه اسماعیل صفوی درگیر شدند. در نتیجه به دستور سلطان سلیم اول از ورود هرگونه کالا از ایران از جمله ابریشم جلوگیری به عمل آمد. با کاهش مقدار ابریشم در بازار بورسا قیمت آن نیز به شدت افزایش یافت. بر اساس اسناد قضایی بورسا، در سال ۱۵۱۸م از افراد متعددی از جمله سلجوق خاتون به مقدار ۴۹ لودر ابریشم یتلانی (دیلمی) - که ارزش هر لودر آن ۷۴ آقچه بوده - در مجموع به ارزش ۳۶۲۶ آقچه ضبط شده است (سند ش ۹۷، Dalsar, 1908: 201). انسداد این راه تجاری در دوره سلطان سلیم اول موجب تغییر مسیر تجارت ابریشم به سواحل جلیج فارس در جنوب ایران گردید. در نهایت، شاهد رشد گسترده تولید و صادرات ابریشم از این طریق به اروپا در دوره صفویه هستیم.

نتیجه گیری

ابریشم به عنوان کالای گران بها و ارزشمند در تولید و تجارت ایران از دوره ایلخانان مورد توجه قرار گرفت. در دوره تیموریان و ترکمانان ایران که مهم ترین کانون تولید ابریشم خام و فرآورده های ابریشمی بود، سهم عمده ای در تجارت بین المللی کسب کرد. تاجران اروپایی برای خرید ابریشم ایران از راه های مختلف خود را به ایران می رساندند یا در شهرهای عثمانی این

محصول را به دست می‌آوردند. با بررسی روند تولید و تجارت ابریشم در این دوران در می‌یابیم که این کالا سهم عمده‌ای در رشد اقتصاد ایران داشته است. با توجه به افزایش تقاضای جهانی و گران‌بها بودن آن، گروه زیادی از کشاورزان ایرانی در مناطق مختلف مشغول پرورش ابریشم بودند و گسترش تجارت ابریشم در بهبود زندگی آنان تأثیر بسزایی داشت. سیاحان اروپایی وضع اقتصادی روستائیان ایران در این دوران را بهتر از روستائیان اروپا می‌دانند. دوم اینکه، با توجه به رشد صادرات ابریشم تعداد زیادی از ایرانیان به تجارت این کالا در داخل کشور و یا در خارج از ایران مشغول بودند؛ با افزایش قیمت ابریشم بر میزان درآمدهای آنان نیز افزود می‌شد. در کنار تجار گروه زیادی از تولیدکنندگان پارچه‌های ابریشمی قرار داشتند که بخش عمده‌ای از تولیدات آنان به خارج از کشور صادر می‌شد. صنایع بزرگ ابریشم‌بافی در شهرهایی مانند یزد، کاشان، اصفهان، استرآباد و شماخی وجود داشت. علاوه بر این گروه‌ها، تعداد زیادی از افراد در قالب کاروان‌های تجاری با حیوانات باربر خود برای انتقال ابریشم ایران به آناتولی فعالیت می‌کردند. در اسناد تجاری آمده است که تجار در توقات حیوانات باربر کرایه می‌کردند. بخش حمل و نقل جاده بسیار فعال بوده است. سوم اینکه، در سایه رونق تولید و صادرات ابریشم و کالاهای ابریشمی درآمدهای حکومتی نیز از مالیات بخش‌های مختلف تولید ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی یا از صادرات این کالا مدام در حال افزایش بوده است. بنابراین با این دلایل در می‌یابیم که بخش‌های عمده‌ای از جامعه ایران به تولید و تجارت ابریشم مشغول بودند. با رونق فعالیت‌های اقتصادی رفاه نسبی در جامعه ایجاد می‌شد. بخشی از علل درگیری حکومت‌های تیموری و آق‌قویونلوها با سلاطین عثمانی سلطه بر راه‌های تجاری ایران به آناتولی و بهره‌مندی از درآمدهای آن بوده است. چنانکه آمار نشان می‌دهد، سلاطین عثمانی در سال چندین میلیون آنچه عواید از طریق اخذ عوارض از تجار مسلمان یا اروپایی به دست می‌آوردند. با این توصیف، خود به خود این سؤال در ذهن تداعی می‌شود که چرا امروزه ابریشم در مقایسه با قرن نهم و دهم هجری چنین نقشی را در اقتصاد جامعه ایفا نمی‌کند؟ آیا تقاضای جهانی به این محصول کاهش پیدا کرده است، یا سیاست‌های اقتصادی دولت در حمایت از این بخش تغییر یافته است؟ اما در کل با بررسی روند تجارت ابریشم در بین شهرهای ایران با کانون‌های تجاری خارج از کشور در قرن نهم هجری

می‌توان دریافت که ابریشم نقش بزرگی در رشد اقتصاد آن دوره داشته و امروزه نیز می‌توان از اهمیت آن در تولید و تجارت بهره‌مند شد؛ به‌خصوص که سیاست‌های دولت بر تولید و صادرات کالاهای غیر نفتی استوار است.

منابع

- ابن بطوطه. (۱۳۷۰). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: نشر آگاه.
- ابن حوقل. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احمدی دستگردی، حوری‌وش. (۱۳۸۷). *ترکمانان آق‌قویونلو*. تهران: انتشارات باز.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۷۴). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: نشر قلم.
- اینالجتق، خلیل. (۱۳۸۸). *امپراطور عثمانی*. ترجمه کیومرث قرقلو. تهران: انتشارات بصیرت.
- بارتولد، ولادیمیر وویچ. (۱۳۰۸). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه حمزه سردادور. تهران: چاپخانه اتحادیه.
- باربارو و دیگران. (۱۳۴۹). *سفرنامه ونیزیان در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- بوات، لوسین. (۱۳۸۴). *تاریخ تیموریان*. ترجمه محمود بهفرزی. تهران: امیرکبیر.
- تاجبخش، حسن. (زمستان ۱۳۷۵ و بهار ۱۳۷۶). «ابریشم ایران». *مجله فرهنگ*. ش ۲۰ و ۲۱.
- پطروشفسکی، ای. پ. (۱۳۴۴). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*. ج ۲. ترجمه کریم کشاورز. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- جمالزاده، محمد علی. (۱۳۸۴). *گنج شایگان، اوضاع اقتصادی ایران*. تهران: کتابخانه ملی.
- جوادی، (۱۳۵۲). «ایران از دید سیاحان اروپایی در دوره ایلخانان». *بررسی‌های تاریخی*. ش ۵. سال ۷.
- _____ (۱۳۷۸). *ایران از دید سیاحان اروپایی از قدیم الایام تا اوایل عهد صفویه*. تهران: نشر بوته.

- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی. (۱۳۷۸). *جغرافیای حافظ ابرو*. ج ۲ با مقدمه و تصحیح صادق سجادی. تهران: نشر میراث مکتوب.
- رضوی، سید ابوالفضل. (۱۳۸۹). *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*. تهران: امیرکبیر.
- سماوی، ای. ج. (۱۳۸۲). *بورسا نخستین پایتخت امپراطور عثمانی*. ترجمه شهناز بیگی بروجنی. تهران: امیرکبیر.
- شامی، نظام‌الدین. (۱۳۵۴). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه‌عباس*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- فرانک، آرین و دیوید براونستون. (۱۳۷۶). *جاده ابریشم*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: سروش.
- قزوینی، میرزا محمدخان بن عبدالوهاب. (۱۳۳۲). *بیست مقاله قزوینی*. تهران: کتاب فروشی ابن سینا.
- قزوینی، زکریابن محمدبن محمود. (۱۳۷۳). *آثارالبلاد و اخبارالعباد*. ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار. به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- کاتب یزدی، احمدبن حسین. (۱۳۸۶). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- کلاویخو، گونزالس. (۱۳۷۴). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لسترنج، گای. (۱۳۳۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه.
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین. (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. ج ۲. به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مارکوپولو. (۱۳۶۳). *سفرنامه*. ترجمه سید منصور سجادی. تهران: نشر گویش.
- مرعشی، سید ظهراالدین بن سید نصیرالدین. (۱۳۶۳). *تاریخ طبرستان. رویان و مازندران*. تهران: نشر گستره.
- نوائی، عبدالحسین. (۱۳۵۵). *اسناد مکاتبات تاریخی ایران*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳۳۶). *نزهة القلوب*. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه طهوری.
- مقدسی، محمدبن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: نشر مؤلفان.
- یاقوت حموی، ابو عبدالله. (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- وصاف، شهاب‌الدین عبدالله شیرازی (وصاف الحضرة). (۱۳۶۴). *تاریخ وصاف*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- وارتما، لودویگوری. (۱۳۷۹). *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. بخش ایران از سفرنامه وارتم*. ترجمه و مقدمه و یادداشت محسن جعفری مذهب.

- Anhegger. Robert and Halil Inalcik (1956). *kanun-name-I sultan ber muceb-I orfi osmani*. Ankara : Turk trih kurumu.
- Çiçak. kemal.(2000). *The great ottoman Turkish civilization: Economy and society* . Ankara.
- Dalsar. fahir .(1960). *Türk sanayi ve ticaret tarihinde Bursada ipekçilik*. Istanbul: Üniversitesi İktisat fakültesi.
- Inalcik. Halil. (1973). *The ottoman empire. Conquest. Organization and economy1300-1600*. London: variourum reprints.
- ----- . (1986a). *Yuk (himal) in the ottoman silk trade*. The middle east and Balkans . indian university.
- ----- . (1986b). *The ottoman state; Economy and society1300-1600*. London: variourum reprints.
- ----- . (1981). *bursa kadi sicillerinden seçmeler. Belgeler*. cilt x . sayı14. Ankara: Turk tarih Kurumu.
- ----- . (1995). *sources and studies on the ottoman black sea*. The customs register of caffa 1487-1490. Harvard University.

- *Islam Ansiklopedias*. (1995). Istanbul: Turkiye Diyanetvakfi.
- Koç. Ömit. (2009). *ipek sanati*. Istanbul: Elaziğ yayincilik.
- Schiltberger. Johan. (1879). *Bondage and travels*. London.

